

روش‌شناسی متکلمان امامیه در اثبات تواتر احادیث امامت^۱

<https://doi.org/10.22034/pke.2025.20620.1965>

علی اصغر پارسامقدم

دانش آموخته سطح چهار امامت تبیینی مرکز امام‌شناسی حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Ali Asghar Parsamoghdam

Graduated from the fourth level of explanatory Imamate at the Imamology Center of Qom Islamic Seminary, Qom, Iran.

aliasghar.parsamoghaddam@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-2251-3637>

¹. Methodology of Imami Theologians in Proving the Tawātur of Imamate Hadiths

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

Article Type: Research Article

Received: 16 February 2025

Received in revised form: 26 February 2025

Accepted: 10 March 2025

Available online: 23 August 2025

چکیده

حدیث به عنوان دومین منبع فهم دین پس از قرآن، اهمیت ویژه‌ای در شناخت معارف اسلامی دارد. در این میان، حدیث متواتر به دلیل حجیت مطلق و علم‌آوری قطعی، جایگاه برجسته‌ای در مباحثات کلامی دارد. از طرفی در گفتگوهای کلامی بهره‌وری از قواعد مشترک و متقن از ارکان اساسی اثبات مدعا به شمار می‌آید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی روش‌های متکلمان امامیه در اثبات تواتر احادیث امامت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متکلمان امامیه از پنج روش اصلی برای اثبات تواتر بهره‌جسته‌اند: تواتر مبنایی (مبتنی بر اصول علوم حدیث)، تواتر طریقی (بر اساس آثار تألیفی در جمع طرق حدیث)، تواتر اقراری (از طریق پذیرش مخالفان)، تواتر معیاری (با تعیین معیارهای خاص)، و تواتر اشتراکی (با گردآوری طرق حدیث از منابع مختلف اسلامی یا بین‌مذهبی). این روش‌ها مسیری متقن و کارآمد برای بهره‌مندی و احتجاج در گفتگوهای کلامی پیرامون مسئله امامت فراهم می‌آورند که می‌تواند در پیشبرد نوآوری در عرصه‌های کلامی بسیار مؤثر باشد.

کلیدواژه: احادیث امامت، روش‌شناسی، متکلمان امامیه، اثبات تواتر

۱. مقدمه

اکثر دانش‌های اسلامی بر حدیث استوار بوده و شناخت حدیث معتبر، یکی از پراهمیت‌ترین اهداف دانش‌های حدیثی برشمرده می‌شود. زیرا اگر حدیثی معتبر نباشد، دانش دینی برگرفته از آن معتبر و سودمند نخواهد بود. به دیگر سخن پس از قرآن دومین و اساسی‌ترین منبع فهم دین، سنت است. معارف گرانسنگی چون هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی و فرجام‌شناسی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها نقش بسزایی دارند، در سنت گرد آمده است.

سنت نبوی در قرآن کریم به‌عنوان بهترین الگوی عملی برای مؤمنان معرفی شده (احزاب: ۲۱) و پیروی از ایشان را همسان اطاعت از خویش (نساء: ۸۰) و نافرمانی از او را مایه گمراهی از مسیر هدایت دانسته است. (احزاب: ۳۶) بر همین اساس مسلمانان همواره با انتقال شفاهی یا نگارش حدیث به دنبال حفظ این میراث بوده‌اند.

به تدریج با نگارش احادیث بحث از سند آشکار شد. سند یعنی چیزی که بدان اعتماد و اطمینان شده و در اصطلاح حدیث به معنای زنجیره‌ی راویان حدیث که به متن حدیث منتهی شود. (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۵۳؛ عسقلانی، ۱۴۲۱، ص ۱۵۷) حال اگر سندهای یک حدیث محصور نباشد آن را حدیث متواتر و اگر محصور باشد احادیث آحاد نامیده‌اند. به بیان دیگر اخبار بر اساس تعدد طرق (سند) آن‌ها به متواتر و آحاد تقسیم‌بندی نموده‌اند. (قطعی، ۱۴۳۹، ص ۷۳) اما شهیدثانی در تقسیم‌بندی خبر به صدق و کذب در ذیل عنوان اخباری که صدق آن قطعی است. متواتر لفظی را نام برده‌اند. (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۵۹)

با گسترش بحث حدیث متواتر در میان متکلمان و نیازمندی علمای اصول و فقه به تقویت دلیل، فصل جدیدی در بکارگیری تواتر در مسائل اصول و فقه آغاز گردید. شماری همچون حازمی (لولوی، ۱۴۲۴، ج ۱: ص ۱۷۷) و از متاخران سیوطی (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ص ۶۲۱) معتقدند که اصطلاح تواتر از عرصه فقه و اصول به علم حدیث سرایت کرده است. اصطلاح متواتر به عنوان قسیم آنچه صلاحیت در صدق و کذب دارد، نخستین بار از سوی خطیب بغدادی در زمره یکی از مصطلحات علم حدیث برشمرده شد و تعریفی همسو با تعاریف متکلمان و فقیهان ارائه گردید. (خطیب، ۱۳۵۷، ص ۱۶).

در اندیشه دانشوران، خبر متواتر سبب ایجاد علم و یقین نسبت به محتوای خبر می‌شود. (سمرقندی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱: ص ۶۹-۷۰) بر همین اساس چنین خبری در میان مسلمانان دارای جایگاه بلندی است؛ زیرا اعتقاد و عمل برآمده از حدیث متواتر یقینی بوده و در فرآیند استنباط و استدلال‌های کلامی، فقهی، تاریخی

و.... حجیت استوارتری دارد. چنین جایگاهی سبب شد که اندیشوران در موضوعات مختلف حدیثی به اثبات تواتر احادیث گوناگون پرداخته و یا کتابی مستقل در جمع‌آوری احادیث متواتر نگاشته (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ص ۶۲۹) و در عقاید و احکام بدان استناد جویند.

از سوی دیگر، پذیرش تواتر در میان مکاتب مختلف اسلامی و حتی برخی ادیان الهی، بستر مشترکی برای گفتگوی بین‌الادیانی و بین‌مذهبی ایجاد کرد. متکلمان امامیه نیز با استفاده از روش‌های متنوعی به اثبات تواتر احادیث مرتبط با امامت و ولایت اهل بیت (ع) پرداخته‌اند. این تلاش‌ها نه تنها به تقویت استدلال‌های کلامی کمک کرده، بلکه امکان بازنگری و توسعه این روش‌ها را برای پاسخگویی به نیازهای معاصر فراهم نموده است. در همین راستا، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای به دنبال بررسی روش‌های مورد استفاده متکلمان امامیه برای اثبات تواتر احادیث است و به سؤالاتی نظیر اینکه متکلمان امامیه از چه روش‌هایی برای اثبات تواتر استفاده کرده‌اند، نقاط قوت و ضعف این روش‌ها چیست، و چگونه می‌توان از این روش‌ها برای نوآوری در مباحث کلامی بهره برد، پاسخ می‌دهد.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است. ابتدا مفاهیم کلیدی همچون حدیث متواتر و جایگاه آن در علم کلام تعریف می‌شود. سپس به تحلیل روش‌های مورد استفاده متکلمان امامیه برای اثبات تواتر پرداخته و در نهایت، یافته‌های پژوهش جمع‌بندی شده و پیشنهاداتی برای گسترش مباحث ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع تواتر احادیث، پژوهش‌هایی همچون مدخل دایره‌المعارف اسلامی و پایان‌نامه نصره باجی، به بررسی مفهوم و نقد تواتر در میان عالمان مسلمان پرداخته‌اند. این آثار اگرچه بر جنبه‌های مفهومی تواتر تأکید داشته‌اند، اما به‌طور خاص به روش‌شناسی متکلمان امامیه در اثبات امامت نپرداخته‌اند. بررسی این خلأ نشان می‌دهد که نقش تواتر در استدلال‌ات کلامی امامیه، نیازمند پژوهش دقیق‌تری است که جنبه‌های تحلیلی و روش‌شناختی را برجسته کند. این مقاله تلاش می‌کند تا با پر کردن این شکاف، به ارائه رویکردی جامع‌تر در زمینه تواتر احادیث و کاربرد آن در استدلال‌ات کلامی بپردازد.

۳. مفهوم‌شناسی

تصوّرات و تعریف‌های علمی، همواره به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در تحلیل مسائل و مفاهیم علمی شناخته شده‌اند. بدون درک دقیق از ماهیت علم، موضوعات آن و جزئیات مرتبط با هر مسئله، امکان دستیابی به احکام و تصدیق‌های صحیح علمی وجود نخواهد داشت. بر همین اساس، در این بخش، مفاهیمی همچون روش‌شناسی، امامت، و حدیث متواتر مورد تعریف و تحلیل قرار گرفته‌اند. هدف این است که ارتباط این مفاهیم با یکدیگر و نقش بنیادین آن‌ها در انسجام و پیشبرد اهداف پژوهش حاضر به‌طور دقیق و جامع تبیین شود.

۳-۱. روش‌شناسی

واژه «روش» در زبان لاتین به معنای «method» و در عربی به معنای «منهج» و روش‌شناسی به معنای «منهجیة» نامور است. (ازهری، ۲۰۰۱، ج ۶: ص ۴۱؛ میرزایی، ۱۳۷۷، ص ۵۸۰)

روش گاهی به معنای ابزار کسب دانش و معرفت و گاه فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت، (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۴۲) یا مسیر طی شده برای کسب معرفت (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص ۴۰) یا مسیر دانشمند در سلوک علمی (همان، ص ۱۱) یا شیوه دقیق نزدیک شدن به عالم برای فهم بهتر وی (سایر، ۱۳۸۸، ص ۱۳) تعبیر شده است.

مراد نگارنده از روش‌شناسی، نگاهی پسینی و درجه دوم به روش‌های به‌کاررفته در تحقیقات علمی است. به این معنا که روش‌شناس^۲ با نگاهی بیرونی، به واکاوی و تجزیه و تحلیل روش‌های مورد استفاده عالمان و دانشیان در تلاش‌های علمی و حرکت‌های فکری در یک یا چند زمینه می‌پردازد. این مفهوم در مقاله حاضر به‌منظور تحلیل رویکردهای متکلمان امامیه در استناد به احادیث متواتر برای اثبات امامت مورد استفاده قرار گرفته است.

^۲ Methodologist

۲-۳. امامت

«امام» از ریشه «أَمَّ يَأُمُّ» مهموز الفاء و مضاعف که جمع آن «ائمه» و به معنای پیشوا، پیشرو و مقتدا به کار رفته است. (فراهیدی، بی تا، ج: ۱، ص: ۱۰۶؛ ابن فارس، بی تا، ج: ۶۱، ص: ۲۸). متکلمان امامیه با رویکرد تطبیقی بین مذاهب و با توجه به اشتراکات میان دو مذهب شیعه و سنی به بازشناسی اصطلاح امامت پرداخته‌اند.

تعریف جامع ارائه شده در این زمینه، در کلام علامه حلی چنین بیان شده است: «الإمامة رئاسة عامة في أمور الدين والدنيا لشخص من الأشخاص نيابة عن النبي» (علامه حلی، ۱۳۶۵، ص: ۹۳). این تعریف بیانگر جایگاه ویژه امام به عنوان رهبر دینی و دنیوی جامعه اسلامی است که نقش محوری در هدایت مردم ایفا می‌کند. در مقاله حاضر، مفهوم امامت به عنوان محوری ترین موضوع کلامی مورد بحث قرار گرفته و تلاش شده است تا از طریق احادیث متواتر، جایگاه و حقانیت آن اثبات شود.

۳-۳. حدیث متواتر

متواتر اسم فاعل از تواتر از ریشه «و ت ر» به معنای مداومت بر چیزی (ابن سلام، ۱۳۸۴، ج: ۴، ص: ۲۵) و در پی هم آمدن و پیایی شدن (فراهیدی، بی تا، ج: ۸، ص: ۱۳۳) و درجایی به کار می رود که افراد یک چیز یکی پس از دیگری (جوهری، بی تا، ج: ۲، ص: ۸۴۳)، به طور فردی (راغب اصفهانی، بی تا، ص: ۸۵۳) با اندکی فاصله زمانی پدید می‌آیند. (ابن فارس، بی تا، ج: ۶، ص: ۸۴)

از جمله تعاریفی که برای حدیث متواتر ارائه شده، عبارت است از، «هو ما بلغت رواه في الكثرة مبلغا أحالت العادة تواترهم» (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص: ۶۲) خبری که آن را افراد بسیاری نقل کنند به گونه‌ای که همدستی آن‌ها بر دروغ‌سازی عاداتاً ممکن نباشد.

۱-۳-۳. انواع حدیث متواتر

حدیث متواتر به طور کلی به متواتر قولی (إسنوی، ۱۴۲۰، ص: ۲۱۳)، فعلی (زحیلی، ۱۴۲۷، ج: ۱، ص: ۲۰۶) و سکوتی (صاحب رام پوری، بی تا، ص: ۲۹۵) تقسیم بندی می‌شود. متواتر قولی خود شامل متواتر لفظی و معنوی است. متواتر لفظی به متواتر در قرآن، حدیث و اجماع تقسیم بندی شده است. (مرداوی، ۱۴۲۱، ج: ۴، ص: ۱۷۵۴) متواتر لفظی خبری است که روایان در همه طبقات، به عدد و شروط تواتر، آن را به یک لفظ نقل کنند. (سیوطی، بی تا، ج: ۲)

ص ۶۳۱) متواتر معنوی به خبری گفته می‌شود که راویان، مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل کنند. (شیرازی، ۱۴۲۴، ص ۷۱)

۳-۲. شروط حدیث متواتر

برای حدیث متواتر از سوی دانشوران شروط مختلفی ذکر شده است که به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. شروط مختص به شنوندگان: آنان می‌بایست نسبت به پذیرش خبر شایستگی داشته باشد. (آمدی، ۱۴۰۲، ج ۲: ص ۲۵) و به آنچه خبر می‌دهند نباید علم داشته باشد (أرموی، ۱۴۰۸، ج ۲: ص ۱۰۳) و گرنه تحصیل حاصل می‌شود (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۴).

۲. شروط مختص به خبردهندگان: مخبرین در تمامی طبقات (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۲) شمار بسیاری باشند تا جایی که همیاری بر کذب نداشته باشند. (آمدی، ۱۴۰۲، ج ۲: ص ۲۵) و از آنچه خبر می‌دهند مستند به حس باشد. (ابن قدامه، ۱۴۴۳، ج ۱: ص ۲۹۶) آنها باید آگاه و عالم به آنچه که خبر می‌دهند باشند نه اینکه بدان ظن داشته باشند. (ابن ساعاتی، ۱۴۰۵، ج ۱: ص ۳۱۴)

۳. شروط مختص به مخبر عنه (موضوع خبر داده شده): ممکن الوقوع (جزائری، ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۱۲۳) و محسوس باشد. (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۵) شرط اخیر برای خارج کردن آنچه را که با عقل ثابت می‌شود (آمدی، ۱۴۰۲، ج ۲: ص ۲۵) مانند حدوث عالم (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۵) وجود سه خدا و شریک داشتن خدا (سمرقندی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۴۲۳) است.

۴. شروط مختص به مخبر به (عبارت خبردهنده از موضوع): خبر آنها ظنی نباشد. (سمرقندی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۴۲۳) همین گونه نباید مسبوق به اعتقادات نقیضه باشد (میرداماد، ۱۴۲۲، ص ۷۱) و باید به دور از التباس و شبهه و تقلید باشد. (شهیدثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۴)

در مجموع، بررسی این مفاهیم و شروط نشان می‌دهد که حدیث متواتر به عنوان ابزار استدلالی در کلام امامیه از اهمیت زیادی برخوردار است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با تکیه بر این مفاهیم و شروط، جایگاه متکلمان امامیه در استفاده از احادیث متواتر برای اثبات امامت را بررسی کند.

۴. روش‌های اثبات تواتر حدیث

بر اساس پژوهش حاضر، متکلمان امامیه برای اثبات تواتر احادیث امامت از پنج روش کلیدی بهره برده‌اند. این روش‌ها، که نشان‌دهنده عمق و تنوع رویکردهای استدلالی امامیه در مباحث کلامی هستند، شامل تواتر مبنایی، طریقی، اقراری، معیاری و اشتراکی می‌شوند. اهمیت این روش‌ها از آن جهت است که هر یک با تأکید بر جنبه‌ای خاص از تواتر، به غنای استدلالات کلامی کمک می‌کنند.

۴-۱. تواتر مبنایی

تواتر مبنایی، به عنوان یکی از روش‌های علمی اثبات تواتر حدیث، بر پایه شروط اساسی حدیث متواتر استوار است. این شروط چهارگانه که شامل فراوانی روایت‌کنندگان، کثرت راویان در تمامی طبقات سند، عدم تبانی بر کذب و حسی بودن خبر می‌شود، هسته اصلی این روش را تشکیل می‌دهد. شروط دیگری نیز از سوی حدیث‌پژوهان مطرح شده که به دلیل بازگشت به همین چهار شرط یا عدم تأثیر مستقیم در حصول تواتر، چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

این روش که بیشتر در میان متکلمان متأخر امامیه رواج یافته، نشان‌دهنده تحول در ادبیات کلامی امامت‌پژوهی شیعه است. تا قرن پنجم، رویکرد امامیه در مباحث امامت، عمدتاً عقل‌گرایانه بود که این امر از مواجهه با معتزله - بزرگترین رقیب فکری امامیه - نشأت می‌گرفت. با افول معتزله و غلبه جریان اهل حدیث در قالب نحله‌هایی چون سلفی‌گری و وهابیت، امامیه نیز شیوه استدلال خود را متناسب با مخاطب تغییر داد و به حدیث نقش محوری‌تری بخشید.

تواتر مبنایی با تکیه بر اصول و قواعد علوم حدیث و رجال، از طریق گردآوری جامع اسناد و بررسی نظام‌مند کثرت راویان در طبقات سندی، به تحلیل و اثبات تواتر می‌پردازد. فرایند این روش در دو مرحله اصلی انجام می‌شود: جمع‌آوری اسناد و طرق مختلف حدیث، و بررسی دقیق طبقات راویان بر اساس معیارهای زمانی و رجالی. این رویکرد علمی، علاوه بر اثبات کثرت راویان، تحقق شرط «عدم تبانی بر کذب» را نیز تضمین می‌کند.

در اصطلاح‌شناسی علوم حدیث، طبقه به گروهی از راویان اطلاق می‌شود که در سن و ملاقات با مشایخ اشتراک دارند. (عسقلانی، ۱۴۲۱، ص ۱۳۴) عسقلانی طبقات راویان را به دوازده طبقه تقسیم کرده است: صحابه، تابعین، اتباع تابعین و علمای بعدی و سایر طبقات به ترتیب شامل راویان مختلف از نسل‌های بعدی هستند. هر طبقه بر اساس اشتراک در سن و ملاقات با مشایخ مشخص می‌شود. (عسقلانی، ۱۴۰۶، مقدمه) علامه میرحامد حسین در «عبارات الانوار» و علامه امینی در «الغدیر» نمونه‌های برجسته‌ای از کاربرد این روش را ارائه کرده‌اند. علامه میرحامد حسین در اثبات تواتر احادیثی چون حدیث مدینه (۱۰ صحابی، ۱۴ تابعی و ۱۴۰ عالم)، حدیث طبر (۹ صحابی، ۹۱ تابعی و ۸۷ عالم) و حدیث نور (۸ صحابی، ۸ تابعی و ۴۰ عالم) به تفکیک دقیق طبقات راویان پرداخته است (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ص ۹-۳؛ ج ۱۳، ص ۴-۱۰۵؛ ج ۱۷: ص ۷-۱۱). این تفکیک نه تنها کثرت نقل، بلکه گستره زمانی و مکانی روایات را نیز مستند می‌سازد. مؤلف در ضمن بیان روایات هر یک از علما بر اساس قرن، جایگاه علمی ایشان و میزان اعتبار کتاب را نیز گوشزد نموده است. احادیث ثقلین، ولایت، منزلت و... با کمی تفاوت به همین صورت بیان شده است.

همچنین علامه امینی با بهره‌گیری از همین رویکرد، تواتر حدیث غدیر را با ارائه فهرست ۱۱۰ صحابی، ۸۴ تابعی و ۳۶۰ عالم به اثبات رسانده است (امینی، ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۴۱-۳۱۱). روش وی نیز مبتنی بر تحلیل علمی-تاریخی نقل حدیث در طبقات مختلف و بررسی گستردگی نقل آن در ادوار گوناگون است. تواتر مبنایی با تکیه بر قواعد علمی و گردآوری داده‌های گسترده، امکان اثبات تواتر حدیث را بدون نیاز به تأییدات پیشین فراهم می‌آورد. این روش با تمرکز بر تفکیک طبقات، بررسی عینی راویان و تحلیل تاریخی، به عنوان ابزاری معتبر در تحلیل‌های علمی حوزه حدیث و کلام شناخته می‌شود.

۴-۲. تواتر طریقی

یکی از روش‌های معتبر برای اثبات تواتر احادیث، جمع‌آوری و تدوین نظام‌مند طرق و اسانید در قالب مجموعه‌های مستقل است. این رویکرد بر این اصل استوار است که گردآوری جامع و تفصیلی سلسله اسناد یک حدیث خاص، بیانگر جایگاه برجسته و تواتر آن در میان محدثین و علمای اسلامی است.

این روش از دو منظر حائز اهمیت است: نخست، تدوین چنین مجموعه‌های تخصصی نشان‌دهنده ارزش و اعتبار ویژه حدیث مورد نظر در سنت حدیثی است. دوم، این رویکرد می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای تأیید تواتر حدیث محسوب شود، زیرا وجود طرق متعدد - مانند روایت از صد یا سی تن از صحابه - دلالت بر انتقال گسترده حدیث در میان نسل‌های متوالی و گروه‌های مختلف دانشیان دارد.

در سنت مطالعات حدیثی، این رویکرد روش‌شناختی از دیرباز در میان محدثان مذاهب مختلف اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است. به‌ویژه در مورد احادیثی که نقش محوری در مباحثات کلامی ایفا می‌کردند، دانشیان علوم اسلامی اهتمام خاصی به بررسی اعتباری و جمع‌آوری طرق روایی آنها مبذول داشته و آثار مستقلی در این زمینه تألیف کرده‌اند.

در سنت حدیثی شیعه، مجموعه‌های متعددی با این رویکرد تدوین شده است. برجسته‌ترین این آثار که به بررسی طرق متعدد احادیث خاص پرداخته‌اند، عبارتند از:

- «طرق من روی رد الشمس» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۸۵)
- «طرق حدیث النبی (ص): أنت منی بمنزلة هارون من موسی عن سعد بن أبي وقاص» (همان، ۹۴)
- «کتاب طرق حدیث الغدير» (همان، ۲۳۳)
- «طرق خبر يوم الغدير» (همان، ۳۲۲)
- «کتاب طرق حدیث الراية» (همان، ۲۳۳)
- «کتاب طرق حدیث الطائر» (همان)
- «کتاب طرق قسيم النار» (همان)
- «کتاب طرق خبر الولاية» (همان، ۲۷۰)
- در سنت حدیثی سنیان نیز آثار مشابهی با این رویکرد تألیف شده است، از جمله:
- «طرق حَدِيث مَنْ كَذَبَ عَلِيٍّ» (همان، ج ۱۵: ۳۴۰)
- «لَذَّةُ الْعَيْشِ بِجَمْعِ طَرُقِ حَدِيثِ الْأَئِمَّةِ مِنْ قُرَيْشٍ» (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۲: ۱۵۴۸)
- «طرق حَدِيثِ الْحَوْضِ النَّبَوِيِّ» (باشا البابانی، ۱۹۵۱، ج ۲: ۱۲۳)

از منظر روش‌شناختی، جمع‌آوری و تدوین طرق متعدد یک حدیث، بیانگر غنای اسانید و شاخصی برای اثبات تواتر آن محسوب می‌شود. نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در کتاب «حدیث الولاية» تألیف ابن عقده مشاهده کرد که حدیث غدیر را از نود و هشت صحابی نقل کرده است. همچنین «کتاب الولاية» طبری با هفتاد و پنج طریق روایی، به تنهایی مؤید تواتر این حدیث در طبقه صحابه است. این تعدد طرق و کثرت راویان، هرگونه احتمال تبانی در جعل حدیث را منتفی می‌سازد.

این روش در میان بسیاری از متکلمان امامیه برای اثبات تواتر برخی احادیث رواج داشته است. شیخ طوسی تصریح می‌کند که حدیث غدیر توسط ابوبکر جعابی از ۱۲۵ طریق، طبری از ۷۵ طریق، و ابن عقده از ۱۰۵ طریق روایت شده است. (طوسی، ۱۴۰۶، ص ۳۴۴؛ همان، ۱۴۱۴: ص ۱۳۴) اما ابن بطریق تنها به کتاب طبری و ابن عقده اشاره دارد. (ابن بطریق، ۱۴۰۷، ص ۱۱۱) سیدبن طاوس در معرفی کتاب «حدیث الولاية» ابن عقده تصریح می‌کند که این حدیث از نود و هشت صحابی در صدوپنج طریق نقل شده است (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱: ص ۱۴۰) همچنین، حمصی رازی و نباطی عاملی تعداد طرق حدیث غدیر را در کتاب ابن عقده ۱۵۰ طریق ذکر کرده‌اند. (حمصی رازی، ۱۴۱۲، ج ۲: ج ۳۳۴؛ نباطی عاملی ۱۳۸۴، ج ۱: ص ۳۰۰-۳۰۱)

اما در گزارش جامع ابن شهر آشوب آمده است که ابن جریر در کتاب «الولاية» از هفتادواندی طریق و ابن عقده از ۱۰۵ طریق و ابوبکر جعانی از ۱۲۵ طریق روایت کرده‌اند. علاوه بر این، مهلبی در کتاب «الغدیر»، احمد بن محمد بن سعد در «من روی غدیر خم»، و مسعود شجری نیز به جمع‌آوری طرق این حدیث همت گماشته‌اند. منصور لاتی رازی با رویکردی نظام‌مند، اسامی راویان را براساس حروف معجم تنظیم کرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ص ۲۵) سیدهاشم بحرانی نیز سخن ابن طاوس (بحرانی، ۱۴۳۱، ص ۶۱) و ابن شهر آشوب (همان، ص ۵۷) را بازگو نموده است. سجستانی حدیث غدیر را از ۱۲۰ صحابی (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱: ص ۴۵۳) و نیز حاکم حسکانی کتابی با نام «دعاء الهداة الی أداء حق المولاة» (همان) در طرق حدیث غدیر نگاشته است. علامه میرحامد حسین در کتاب عبقات الانوار خویش در بررسی حدیث غدیر به وجود کتاب‌هایی چون «حدیث الولاية» ابن عقده، «کتاب الولاية» طبری، «دعاء

الهداة الى أداء حق المولاة» حسکانی و «درایة حدیث الولاية» سجستانی اشاره نموده است. (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج: ۱: ص ۱۵۶-۲۶)

در سنت حدیثی سنّیان چنین روشی نیز جاری بوده است. دانشیان سنی به وجود چنین کتاب‌هایی در طرق حدیث غدیر اشاره نموده‌اند. برای نمونه ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج: ۷: ص ۷۴) ابن تیمیه (ابن تیمیه: ۱۴۰۶، ج: ۷: ص ۳۲۰)، مناوی (مناوی، ۱۳۵۶، ج: ۶: ص ۲۱۸)، بر وجود کتاب ابن عقده گواهی داده‌اند. کتاب طبری نیز مورد توجه و استناد ذهبی بنابر نقل محمد بن اسماعیل در روضه ندیه شرح تحفه علویه (قنوجی، بی‌تا، ۵۷)، ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۱۸، ج: ۱۴، ص ۸۴۹)، یاقوت حموی (حموی، ۱۴۱۴، ج: ۶: ص ۲۴۶۴) و ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، ۱۴۴۳، ج: ۷: ص ۳۳۹) قرار گرفته است.

این روش تنها به حدیث غدیر محدود نیست و در مورد حدیث طبر نیز به کار گرفته شده است. ابن عقده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج: ۲: ص ۲۸۲)، ابو جعفر محمد بن جریر طبری صاحب تاریخ (ابن کثیر، ۱۴۱۸، ج: ۱۱، ص ۸۳) ابن مردویه و ابوطاهر محمد بن احمد بن حمدان (ابن کثیر، ۱۴۱۸، ج: ۱۱: ص ۸۳) ابو نعیم (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج: ۷: ص ۳۷۲) و ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۹، ج: ۳: ص ۱۶۴) ابن مردویه (عسقلانی، ۱۳۹۰، ج: ۱: ص ۴۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج: ۷: ص ۳۷۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸، ج: ۱۱: ص ۸۳) از جمله عالمانی هستند که کتاب‌هایی برای جمع‌آوری طرق حدیث طبر نوشته‌اند. حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک علی الصحیحین متذکر شده که حدیث طبر را از انس افزون بر سی صحابی نقل کرده (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج: ۳: ص ۱۴۱) و دیگران نیز به نگارش چنین کتابی از سوی حاکم نیشابور اشاره کرده‌اند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج: ۷: ص ۳۷۲؛ عسقلانی، ۱۳۹۰، ج: ۱: ص ۴۲) علامه میرحامد حسین در کتاب عبقات الانوار خویش به این کتب آگاهی بخشیده است. (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج: ۱۳ بخش اول: ص ۴۶)

۳-۴. تواتر اقراری

در سنت کلامی امامیه، روش استناد به تواتر اقراری به عنوان یک رویکرد روش‌شناسانه مهم، مورد استفاده قرار گرفته است. این روش به ویژه در مواردی کاربرد دارد که یک عالم برجسته اهل سنت به تواتر

حدیثی گواهی داده باشد، حتی اگر این اقرار در میان تمامی علمای اهل سنت وجود نداشته باشد. اهمیت این رویکرد در آن است که به متکلمان امامیه این امکان را می‌دهد که با استناد به گواهی علمای معتبر، اعتبار و تواتر احادیث را اثبات کنند.

این روش به خصوص در شرایطی ارزشمند است که تفاوت‌های موجود در نقل یا پذیرش احادیث میان علمای شیعه و سنی، دستیابی به اجماع کامل بر تواتر را دشوار می‌سازد. در چنین مواردی، گواهی یک عالم صاحب‌نام به تواتر حدیث می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای استدلال امامیه بر متواتر بودن آن حدیث فراهم آورد. ذهبی، از علمای شاخص اهل سنت، در آثار خود به تبیین نظری این موضوع پرداخته و اعتبار گواهی عالمان در اثبات تواتر را مورد تأیید قرار داده است. در اندیشه ذهبی، اگر عالمی حکم به تواتر حدیث دهد، این ادعای تواتر پذیرفتنی است، حتی اگر دیگران به چنین تواتری دست نیافته باشند.

او برای تبیین این دیدگاه، به مناقشه‌ای که در زمان خود پیرامون تواتر قرائت حضرمی (یکی از قراء مشهور) درگرفته بود، اشاره می‌کند. ذهبی در پاسخ به مخالفان تواتر این قرائت، استدلال جامعی ارائه می‌دهد که در کتابش چنین آمده است:

قرائت حضرمی به گروه زیادی به صورت متواتر رسیده و رسیدن تواتر به تمام امت شرط نیست. چه بسا مسائلی که نزد قراء متواتر است ولی نزد دیگران نیست، یا مسائلی که نزد فقها متواتر است اما قراء از آن بی‌خبرند. گاه روایتی نزد محدثان متواتر است که ممکن است فقها هرگز آن را نشنیده باشند یا تنها برایشان افاده ظن کند. به همین ترتیب، علمای نحو و اهل لغت نیز مسائل قطعی خاص خود را دارند. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ص ۱۷۱)

این تبیین نظری ذهبی، مبنای معرفت‌شناختی محکمی برای روش تواتر اقراری فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از گواهی عالمان متخصص در هر حوزه برای اثبات تواتر بهره گرفت. طرح اشکالی بدین صورت ممکن است که: اگر احادیثی مانند غدیر، ثقلین، طبر و... متواتر بود، دست کم یکی از عالمان باید بدان تصریح می‌کرد، حال آن‌که چنین بیانی یافت نشده، و بر این اساس تواتر آن پذیرفتنی نیست. به این شبهه اینگونه می‌توان پاسخ گفت:

نخست آنکه: این اشکال بر پایه شهادت بر نفی است (شهادت بر نبودن تواتر) که نزد محققان قابل پذیرش نیست.

دوم آنکه: نیافتن تصریح بر تواتر و مطلع نشدن بر آن، نمی تواند دلیل بر نبود تصریح کننده باشد.^۲
سوم آنکه: بر فرض که عدم تصریح هیچ یک از عالمان عامی به تواتر حدیث نیز پذیرفته شود، باز هم نمی توان این مساله را در راستای نقد تواتر حدیث به کار بست؛ چرا که تعصب ایشان در پنهان ساختن حقایق مخصوصاً در عرصه مناقب اهل بیت □ بر کسی پوشیده نیست. تا جایی که برخی از عالمان عامی در حدیث غدیر که بی تردید متواتر است خدشه کرده اند. از این رو عدم تصریح ایشان به تواتر احادیث فضائل و مناقب جای شگفتی ندارد.

چهارم آنکه: اگر بپذیریم که بین دانشمندان عامه شخص منصف و دور از جانب داری وجود داشته باشد، عدم تصریح وی به تواتر حدیث می تواند به جهت ناآگاهی از طرق آن بوده باشد؛ و عدم حصول علم برای یک نفر، مانع از حصول علم برای دیگری نیست. (ر.ک. لکهنوی، ۱۴۰۴: ج ۱۳ بخش اول: ص ۱۰۸-۱۰۹)
اما گواهی عالمان به تواتر یک حدیث به دو صورت ارائه شده است. نخست آنکه نگارنده در کتابی که تمامی احادیث متواتر را گردآوری کرده؛ حدیث مورد استشهاد را در آن جای داده باشد. این روش در واقع حکم به تواتر جمعی احادیثی است که حدیث مورد نظر در ضمن آن آمده است. اما گونه دوم گواهی به تواتر حدیث بعد از بیان حدیث یا در ضمن گفتگوها است که با عنوان حکم به تواتر حدیثی خاص بازتاب یافته است.

۳-۴-۱. وجود حدیث در کتب متواترنگاری

از دیرباز در میان مسلمانان کتابهایی از سوی عالمان اهل سنت همچون زرکشی (سخاوی، ۱۴۲۴، ج ۴: ص ۲۳)؛ پُرماوی (زبیدی، ۱۴۰۵، ص ۱۶) ابن طولون، سیوطی و... در شناسایی احادیث متواتر نگاشته شده

۲. به تعبیر مشهور: «عدم الوجدان لا يدلّ علی عدم الوجود».^۳

است. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: «الفوائد المُتکاثرة في الأخبار المتواترة» (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۲: ص ۱۳۰۱) و تلخیص آن «قُطف الأزهار المتناثرة» (سیوطی، بی تا، ج ۲: ص ۶۲۹-۶۳۰) از جلال‌الدین سیوطی و منتخب قطف الازهار متقی هندی، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ص ۶۴) «اللائئ المتناثرة في الأحادیث المتواترة» از ابن طولون (۹۵۳) (کتانی، بی تا، ص ۸)، «لقط اللآئ المتناثرة في الأحادیث المتواترة» زبیدی، (همان) و «نظم المتناثر في الحديث المتواتر» از محمد بن جعفر کتانی که زیادات کتاب الازهار المتناثرة را آورده و عبدالعزیز الغماري زیادات نظم المتناثر را جمع‌آوری کرده در کتابی با عنوان «إتحاف ذوي الفضائل المشتهرة بما وقع من الزيادة في نظم المتناثر على الأزهار المتناثرة» ارائه نموده است. همین طور کتابهایی با رویکرد اربعین‌نگاری با عنوان‌های «الکواکب الزاهرة في الأربعین المتواترة» مفتی شام افندی دمشقی، (ت: ۱۳۰۵ هـ) تنها متن چهل حدیثی که حکم به تواتر آنها شده را در ۵ صفحه گردآورده است. همین طور حامد العمادی کتابی با عنوان «الصلاة الفاخرة بالأحادیث المتواترة» در ۲۵ صفحه مخطوط جمع‌آوری نموده. «المصابیح فی الأحادیث المتواترة» نگاشته صالح مقبلی (۱۱۰۸ هـ) به گردآوری احادیث متواتر معنوی همت گماشته است. (مقبلی، ۱۴۲۸، ص ۵۷۹)

نکته مهم در این آثار ضابطه نگارنده در اثبات تواتر است. سیوطی، متقی هندی، زبیدی، صدیق حسن خان و کتانی حدیثی را متواتر برمی‌شمارند که آن را دست کم ده صحابی نقل کرده باشد. افندی دمشقی تنها احادیثی که حکم به تواتر آنها شده را جمع‌آوری کرده و درمورد طبقه صحابه سخنی نیاورده و حامد العمادی به نقل احادیث دارای ده طریق و بیش‌تر پرداخته و طریق خود به کتاب تواتر سیوطی و ابن طولون را آورده است.

این روش مورد توجه متکلمان مدرسه بغداد و حله قرار نگرفته است. زیرا که بیشتر کتب تألیفی در اثبات تواتر با این روش پس از مدرسه بغداد و برخی بعد از مدرسه حله سامان یافته است. بنابراین نبود یا دست نیافتن متکلمان به چنین کتاب‌هایی سبب گردیده که متکلمان آن دوره به این روش روی نیاورند. اما در دوره‌های پسینی بخصوص در مدرسه لکهنو و در دوره معاصر، شماری از عالمان امامیه با تکیه بر این شیوه به اثبات تواتر حدیث غدیر و منزلت پرداخته‌اند. از پیش‌تازان این عرصه علامه میرحامد حسین و علامه امینی به شمار می‌آیند.

اثبات تواتر حدیث غدیر از سوی علامه میرحامد حسین و علامه امینی با تکیه بر کتاب «المصابیح فی الاحادیث المتواتره» مقبلی (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۷: ص ۲۵۲؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۶۱) و «الازهار المتناثرة فی الاحادیث المتواتره» سیوطی (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۰۴-۲۰۵؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۶۲) و «منتخب قطف الازهار المتناثرة» از متقی هندی (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۱۳؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۶۲) صورت پذیرفته است.

اما حدیث منزلت از سوی میرحامد حسین و سلطان الواعظین با تکیه بر کتاب الازهار المتناثرة سیوطی و منتخب آن از شیخ علی متقی به اثبات رسیده است. (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ص ۶۳-۶۴؛ سلطان الواعظین ۱۳۷۹، ص ۲۸۸)

۴-۳-۲. حکم به تواتر حدیثی خاص

اثبات تواتر برخی از احادیث امامت مانند غدیر، ثقلین و منزلت با این روش در آثار متکلمان امامیه بازتاب یافته است. بر اساس گفتاورد ابن کثیر در کتاب البداية والنهاية، ذهبی تصریح به تواتر صدر حدیث غدیر نموده (ابن کثیر، ۱۴۱۸، ج ۷: ص ۶۸۱؛ لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۰۴-۲۰۵؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۴۸) این گفتاورد ابن کثیر می تواند برداشتی آزاد باشد از کلام ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء «(من کنت مولا، فعلي مولا). هذا حدیث حسن، عال جدا، ومتمنه فمتواتر». (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ص ۱۷۱؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۴۸) ابن جزری در أسنی المطالب همانند ذهبی و ابن کثیر در برابر فراوانی اسانید و تواتر حدیث غدیر لب به سخن گشوده (ابن جزری، بی تا، ص ۴۸؛ لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۱۷۲-۱۷۳؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۵۰). همین طور عطاء الله محدث نیشابوری در کتاب اربعین مناقب جناب امیر المؤمنین □ (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۲۳-۲۲۴؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۵۴)، ملاعلی قاری در مرقات شرح مشکاة، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۲۷؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۵۵) محمد بن اسماعیل بن صلاح الامیر در روضه ندیه شرح تحفه علویّه، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۳۶؛ امینی ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵۶۱) محمد صدر عالم هندی در کتاب معارج العلاء فی مناقب المرتضی، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۴۱) و قاضی سناء الله پانی پتی در کتاب سیف مسلول (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۴۳) حکم به تواتر حدیث غدیر داده اند.

تواتر حدیث ثقلین نیز از سوی صالح بن مهدی بن علی مقبلی صنعانی در «ملحقات أبحاث مسدّده» (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ص ۷۳۲) و تواتر حدیث منزلت از سوی حاکم نیشابوری بنابر گزارش گنجی شافعی (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ص ۶۳) و شاه ولی الله والد مخاطب در ازالة الخفا (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ص ۶۵) نمایان است.

۴-۴. تواتر معیاری

عالمان سنی گاهی برای اثبات برخی از احادیث با موضوعات فقهی، کلامی، تاریخی و... با تعیین مصداق حدیث متواتر بنا بر نقل آن تنها از سوی شماری از صحابه حکم به متواتر بودن آن داده‌اند. برای نمونه ابن حجر عسقلانی در مورد روایت «تقتلک الفئة الباغية» تنها نقل پنج یا شش صحابی، (عسقلانی، ۱۴۴۳، ج ۷: ص ۴۰۹) را دلیل بر تواتر دانسته و ابن حزم در مورد حدیثی تنها روایتگری چهار یا شش نفر (ابن حزم، ۱۴۱۶، ج ۳: ص ۶) را سبب تواتر آن انگاشته است. بنابراین از دیگر راه‌های بازشناسی حدیث متواتر، یافتن تعیین مصداق‌های حدیث متواتر از سوی علمای سنی است. این معیارها برپایه گفتار برخی از علمای سنی شکل گرفته است.

از طرفی باید دانست که این معیارها از سوی علمای سنی پذیرفتنی است زیرا بر اساس کلام ذهبی در تواتر شرط نیست که تواتر آن به همه امت برسد. بلکه همین‌که فردی یا گروهی ادعای تواتر کنند کافی است بر متواتر دانستن آن حدیث.

۴-۴-۱. روایتگری هشت صحابی مصداق حدیث متواتر

ابن حجر هیتمی نقل حدیث امامت ابوبکر در نماز، از سوی هشت صحابی را مصداق حدیث متواتر دانسته: «و اعلم أنّ هذا الحديث متواتر فأنّه ورد من حديث عائشة و ابن مسعود و ابن عباس و ابن عمر و عبد الله بن ذمعة و أبي سعيد و علي بن أبي طالب و حفصة». (هیتمی، ۱۴۱۷، ج ۱: ص ۱۱۱) در حدیث‌های نور، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ص ۱۱) طبر، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۳ بخش اول: ص ۱۰۷) مدینه، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ص ۱۵) ولایت، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ص ۴۷۹) منزلت، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ص ۶۲) ثقلین، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ص ۹۳۶) و غدیر (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۶: ص ۱۸-۱۹) با تکیه بر این روش تواترانگاری شده است.

۴-۲. روایتگری چهار صحابی مصداق حدیث متواتر

این معیار از ظاهر کلام ابن حزم و ابن تیمیه بازآفرینی شده است. ابن حزم در المحلی پس از روایات نهی از فروش آب نوشته: «فَهَؤْلَاءِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ، فَهُوَ نَقْلٌ تَوَاتُرٌ لَا تَحِلُّ مُخَالَفَتُهُ». (ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ص ۳۰۶) وی این حدیث را تنها به خاطر نقل چهار صحابی متواتر برشمرده و مخالفت با آن را نیز ناجایز دانسته. همین طور ابن تیمیه در منهاج السنة در مورد حدیث دوستی پیامبر اکرم ﷺ با ابوبکر «كَمَا فِي الصَّحِيحَيْنِ أَنَّهُ قَالَ: "لَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ خَلِيلًا لَاتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا"، وَهَذَا الْحَدِيثُ مُسْتَقْبِضٌ، بَلْ مُتَوَاتِرٌ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ بِالْحَدِيثِ، فَإِنَّهُ قَدْ أُخْرِجَ فِي الصَّحَاحِ مِنْ وَجْهِ مُتَعَدِّدٍ مِنْ حَدِيثِ ابْنِ مَسْعُودٍ، وَأَبِي سَعِيدٍ، وَأَبْنِ عَبَّاسٍ، وَأَبْنِ الزُّبَيْرِ». (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۷: ص ۳۵۷) را به جهت حکایت‌گری آن از سوی چهار صحابی، مصداق حدیث متواتر دانسته است.

علامه میرحامد حسین افزون بر روش‌های دیگر، براساس گفتار ابن تیمیه و ابن حزم برای اثبات تواتر برخی از احادیث امامت بهره جسته‌اند آن‌ها عبارتند از: غدیر، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۱۸-۱۹) منزلت، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ص ۶۳) ثقلین، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ص ۹۳۶-۹۳۷) نور، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ص ۱۱) طبر، (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۳ بخش اول: ص ۲۴۳) مدینه (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ص ۱۵-۱۶) و ولایت (لکهنوی، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ص ۴۷۹).

۴-۵. تواتر اشتراکی

روش تواتر اشتراکی که در آن احادیث با ترکیب و اجماع میان طرق مختلف در مذاهب اسلامی متواتر دانسته می‌شوند، یکی از روش‌های قابل توجه در استدلال متکلمان امامیه به شمار می‌آید. این روش به ویژه زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طرق حدیث به صورت مستقل در یک مذهب به تنهایی به حد تواتر نرسیده، اما با ترکیب آن با طرق سایر فرق اسلامی، تواتر حاصل می‌شود. البته در برخی از موارد تواتر حدیث

در هر دو فرقه موجود است و با اشتراک بین دو فرقه یا چند فرقه، اجماع بر تواتر آن حدیث شکل می‌گیرد. این نوع استدلال بیانگر پذیرش گسترده و نوعی اجماع بر اعتبار حدیث از سوی مسلمانان و متکلمان اسلامی است.

شیخ مفید، از جمله متکلمانی است که به تواتر اشتراکی در حدیث منزلت اشاره کرده و از تعبیری همچون «ما أجمع علیه أهل القبلة» (مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۷۶) استفاده نموده که نشانگر پذیرش عمومی آن حدیث میان مسلمانان است. او حتی در مورد رویداد فتح خیبر، از تعبیر «تواتر اهل السیر و الآثار» استفاده کرده است که بیانگر پذیرش و تواتر این واقعه در منابع تاریخی و حدیثی فریقین است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۰۹)

کراجکی، در مورد حدیث ثقلین نیز با بیان تعبیری مشابه، این حدیث را مورد تایید و اجماع تمامی مسلمانان می‌داند: «ما أجمع علیه أهل الإسلام»، (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱: ص ۳۲۹) که باز هم نشان از پذیرش وسیع و عمومی این حدیث در میان مسلمانان دارد.

شیخ طوسی، در مواردی همچون حدیث غدیر و طبر به تواتر اشتراکی این احادیث اذعان کرده است. او در مورد حدیث غدیر می‌گوید که هر دو فرقه شیعه و مخالفین، متواتر بودن آن را پذیرفته‌اند و آن را نوعی توافق کلی میان مسلمانان می‌داند. «لاخبر في الشريعة مما قد اتفق مخالفونا معنا على انه متواتر نقل كتنقله» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۳۴) همچنین درباره حدیث طبر، او تواتر آن را در میان شیعه و اهل سنت مورد تایید قرار داده و آن را اجماعی دانسته است. «الدلیل علی صحته وجوه: أحدها- تواتر الشيعة به. ثانيها- إجماع الأمة علیه، لأنها- أجمع روات هذا الخبر- وإن اختلفت في تأويله» (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳: ص ۱۱) بنابراین تواتر اشتراکی رویکردی است که متکلمان امامیه با استفاده از آن تلاش کرده‌اند تا حجیت و اعتبار احادیثی که میان دو یا چند فرقه اسلامی مشترک و متواتر هستند، به شکل قوی‌تری اثبات کنند. این روش نه تنها بر تاکید روایی یک فرقه خاص استوار نیست، بلکه نشانگر اجماع بر اهمیت آن حدیث از دیدگاه مشترک مسلمانان است و به همین دلیل، ارزش اثباتی قوی‌تری برای تأیید امامت و ولایت اهل بیت □ دارد.

نتیجه گیری

بازشناسی روش های متکلمان امامیه نقش بسزایی در بسترسازی برای ابداع و نوآوری در عرصه های کلامی خواهد داشت. و بازشناخت آن ها برای بهره مندی و الزام و احتجاج؛ مسیر صواب، متقن و کارآمد را به آسانی طی خواهد نمود. در شناسایی روش های اثبات تواتر به دست آمد که متکلمان امامیه در گفتگوهای کلامی خویش از روش هایی چون تواتر مبنایی، طریقی، اقراری، معیاری و اشتراکی بهره جسته اند. تواتر مبنایی بر اساس قواعد اساسی بیان شده در علوم حدیث یعنی واکاوی راویان در میان طبقات صحابه، تابعین، اتباع تابعی و آخذین از اتباع تابعین سامان گرفته و تواتر طریقی بر پایه کتاب های تالیف یافته در طرق حدیث شکل گرفته زیرا که بسیاری از این کتاب ها طرق فراونی را روایتگری نموده اند تا جایی که برخی از آن ها اذعان نموده اند که کتاب خویش بر اساس روایتگری از صد صحابی یا سی صحابی سامان داده اند. اما در تواتر اقراری به اذعان مخالفین در تواتر حدیث پرداخته چه احادیثی که در کتب تواترنگاری یافت شود و چه احادیثی که به صورت خاص بدان حکم به تواتر شده است. تواتر معیاری با کشف معیارهایی از مصادیق احادیث متواتر به اثبات تواتر پرداخته است. در این روش متکلم با موشکافی آثار کلامی، تاریخی، فقهی، حدیثی و... مخالفین به کشف ادعای تواتر آن ها در مورد برخی احادیث دست یازیده و همان روش را بری اثبات تواتر حدیث به کار بسته اند. و در نهایت، تواتر اشتراکی به دنبال گردآوری طرق حدیث از تمامی منابع اسلامی یا بین دو مذهب برای اثبات تواتر است.

منابع

١. قرآن كريم
٢. آمدی. علي (١٤٠٢). الاحكام في أصول الأحكام. بيروت - لبنان: المكتب الإسلامي.
٣. ابن بطريق. يحيى (١٤٠٧). عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار. قم - إيران: جامعه مدرسين.
٤. ابن تيميه. تقى الدين (١٤٠٦). منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية. عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
٥. ابن حزم. علي بن احمد (١٤١٦). الفصل في الملل والأهواء والنحل. لبنان: دار الكتب العلمية.
٦. ابن طاووس. علي بن موسى (١٤٠٩). إقبال الأعمال. تهران - إيران: دار الكتب الإسلامية.
٧. ابن فارس. احمد بن فارس (بى تا). معجم مقاييس اللغة. دار إحياء الكتب العربية | مكتب الإعلام الإسلامي.
٨. ابن قدامة. عبد الله بن محمد (١٤٤٣). روضة الناظر وجنة المناظر. مؤسسة الريان.
٩. ابن كثير (١٤١٨). البداية والنهاية. دار هجر.
١٠. ابن حزم اندلسى. أبو محمد (١٤٠٨). المحلى بالآثار. بيروت - لبنان: دار الفكر.
١١. ابن ساعتي. مظفر الدين (١٤٠٥). نهاية الوصول إلى علم الأصول. مكه - عربستان: جامعة أم القرى.
١٢. ابن سلام. أبو عبيد القاسم (١٣٨٤). غريب الحديث. حيدرآباد - هند: مطبعة دائرة المعارف العثمانية.
١٣. ابن شهر آشوب. محمد بن علي (١٣٧٩). مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب). قم - إيران: علامه.
١٤. ابن طاووس. علي بن موسى (١٤٠٠). الطرائف. قم - إيران: مطبعة الخيام.
١٥. أرموى. السراج (١٤٠٨). التحصيل من المحصول. بيروت - لبنان: مؤسسة الرسالة.
١٦. أزهري. محمد بن أحمد بن (٢٠٠١م). تهذيب اللغة. بيروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي.

۱۷. إسنوی. بد الرحيم بن الحسن بن علي (۱۴۲۰). نهاية السؤل شرح منهاج الوصول. بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
۱۸. امينی. عبدالحسين (۱۴۱۶). الغدير في الكتاب و السنة و الأدب. قم - ايران: مركز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۹. بابر تي. محمد (۱۴۲۶). الردود والنقود شرح مختصر ابن الحاجب. مكتبة الرشد ناشرون.
۲۰. باشاالباباني. اسماعيل (۱۹۵۱). هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين. استانبول - تركيه: وكالة المعارف بإسطنبول.
۲۱. پارساني. حميد (۱۳۸۸). «روش شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی». مجله عيار پژوهش در علوم انسانی. قم. ش ۲. پاییز و زمستان.
۲۲. جزائری. طاهر بن صالح. (۱۴۱۶ق) توجيه النظر إلى أصول الأثر. حلب - سورية: مكتبة المطبوعات الإسلامية.
۲۳. جزری محمد بن محمد (بی تا). أسنى المطالب في مناقب سيدنا علي بن أبي طالب كرم الله وجهه. اصفهان - ايران: مكتبة الإمام أمير المؤمنين علي (عليه السلام) العامة.
۲۴. جوهری. اسماعيل بن حماد (بی تا). الصحاح. دار العلم للملايين.
۲۵. حاجی خليفه. مصطفى (۱۹۴۱). كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون. بغداد - عراق: مكتبة المثنى.
۲۶. حاكم نيشابوری (۱۴۱۱). المستدرک على الصحيحين. بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
۲۷. حقيقت. سيدصادق (۱۳۸۵). روش شناسی علوم سياسی. قم - ايران: دانشگاه مفید.
۲۸. حمصی رازی محمود بن علي (۱۴۱۲). المنقذ من التقليد. قم - ايران: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۹. حموی. ياقوت (۱۴۱۴). معجم الأدباء. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
۳۰. خطيب بغدادی. أبو بكر (۱۳۵۷). الكفاية في علم الرواية. حيدر آباد - هند: جمعية دائرة المعارف العثمانية.

۳۱. ذهبی. شمس الدین (۱۴۰۵). سیر أعلام النبلاء. مؤسسة الرسالة.
۳۲. _____ (۱۴۱۹). تذكرة الحفاظ. بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
۳۳. راغب اصفهانی. حسین بن محمد (بی تا). مفردات ألفاظ القرآن. دار الشامیة | دار القلم.
۳۴. زبیدی. محمد مرتضی الحسینی (۱۴۰۵). لقط اللالی المتناثرة في الأحادیث المتواترة. بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
۳۵. زحیلی. محمد مصطفی (۱۴۲۷ق). الوجیز في أصول الفقه الإسلامی. دمشق - سوریه: دار الخیر.
۳۶. سایر. آندرو (۱۳۸۸). روش در علوم اجتماعی: رویکردی رئالیستی. ترجمه‌ی عماد افروغ. تهران - ایران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۷. سخاوی. محمد بن عبد الرحمن (۱۴۲۴). فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث للعراقی. مصر: مكتبة السنة.
۳۸. سلطان الواعظین محمد (۱۳۷۹). شبهای پیشاور در دفاع از حریم تشیع. ایران: دار الكتب الإسلامية.
۳۹. سمرقندی. علاء الدین (۱۴۰۴) میزان الأصول في نتائج العقول. قطر: مطابع الدوحة الحديثة..
۴۰. سیوطی. عبد الرحمن بن أبی بکر. (بی تا). تدریب الراوی في شرح تقریب النواوی. الرياض - عربستان: دار طيبة.
۴۱. شهید ثانی. زین الدین بن علی (۱۴۰۸) الرعاية في علم الدراية. قم: ایران: کتابخانه آیت الله مرعشی (ره).
۴۲. شیرازی. أبو إسحاق (۱۴۲۴) اللمع في أصول الفقه. دار الكتب العلمية.
۴۳. صاحب رام پوری. نجم الغنی خان. (بی تا) مزیل الغواشی شرح اردو اصول الشاشی. کراچی - هند: آرام باغ.
۴۴. طحان. محمود (۱۴۲۵) تیسیر مصطلح الحدیث. مكتبة المعارف.
۴۵. طوسی محمد بن حسن (۱۴۰۶). الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد. بیروت - لبنان: دار الأضواء.
۴۶. _____ (۱۴۱۴). رسائل الشيخ الطوسي (المفصح في الإمامة). قم - ایران: حوزه علمیه.

۴۷. _____ (۱۳۸۲ش) تلخیص الشافی. قم-ایران.
۴۸. _____ (۱۴۱۷) العدة في أصول الفقه. قم-ایران.
۴۹. طوفی صرصری. لیمان. (۱۴۰۷) شرح مختصر الروضة. مؤسسة الرسالة.
۵۰. عسقلانی. ابن حجر (۱۳۹۰). لسان المیزان. بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۵۱. _____ (۱۴۴۳). تهذیب التهذیب. الإمارات العربية المتحدة: جمعية دار البر.
۵۲. _____ (۱۴۰۶). تقریب التهذیب. سوریه: دار الرشید.
۵۳. _____ (۱۳۷۹). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت - لبنان: دار المعرفة.
۵۴. _____ (۱۴۲۱). نزہة النظر في توضیح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر. دمشق - سورية: مطبعة الصباح.
۵۵. علامه حلی. حسن بن یوسف. (۱۳۶۵). الباب الحادي عشر. مقداد بن عبد الله فاضل مقداد. ایران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
۵۶. فراهیدی. خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین. مؤسسة دار الهجرة.
۵۷. قطیعی. صفی الدین (۱۴۳۹) قواعد الأصول ومعاهد الفصول. ركانز للنشر والتوزيع.
۵۸. كتانی. محمد بن جعفر. (بی تا). نظم المتناثر من الحديث المتواتر. مصر: دار الكتب السلفية.
۵۹. کراجکی. محمد بن علی (۱۴۱۰). کنز الفوائد. عبد الله نعمه. قم-ایران: دار الذخائر.
۶۰. لکهنوی. میرحامد حسین (۱۴۰۴). عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار □. قم-ایران.
۶۱. لولوی. محمد بن علی (۱۴۲۴). قرۃ عین المحتاج في شرح مقدمة صحيح مسلم بن الحجاج. دار ابن الجوزي.
۶۲. مرداوی. أبو الحسن (۱۴۲۱). التحيير شرح التحرير في أصول الفقه. الرياض - عربستان: مكتبة الرشد.
۶۳. مفید. محمد بن محمد (۱۴۱۳ج). الإفصاح في الإمامة. قم - ایران. المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۶۴. _____ (۱۴۱۳الف). الجمل. المؤتمر العالمي للشيخ المفيد. قم-ایران.

۶۵. مقبلی. صالح بن المهدي (۱۴۲۸). الأبحاث المسددة في فنون متعددة و يليه احاديث الغناء المصايح في الاحاديث المتواترة. صنعاء - اليمن: المكتبة الجليل الجديد.
۶۶. مناوی. عبد الرؤوف. (۱۳۵۶). فيض القدير شرح الجامع الصغير (ج ۶). مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
۶۷. _____ (۱۹۹۹م) اليواقيت والدرر في شرح نخبة ابن حجر. الرياض - عربستان: مكتبة الرشد.
۶۸. ميرداماد. محمد باقر. (۱۴۲۲). الرواشح السماوية. ايران: دار الحديث.
۶۹. ميرزايی. نجفعلی. (۱۳۷۷) فرهنگ اصطلاحات معاصر. قم: مهر.
۷۰. نباطی عاملی علی بن محمد. (۱۳۸۴) الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم. تهران - ايران: مكتبة المرتضوية.
۷۱. نجاشی احمد بن علی. (۱۳۶۵). رجال النجاشي. قم - ايران: جامعه مدرسين.
۷۲. نووی. أبو زكريا (۱۳۹۲) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج. بيروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي.
۷۳. هيتمی. أحمد بن محمد بن علي بن حجر. (۱۴۱۷). الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة. لبنان: مؤسسة الرسالة.